

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.س.)

سال چهاردهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، پیاپی ۳۴

DOI: 10.22051/tqh.2017.11207.1307

مطالعه تحلیلی «روش‌شناسی پژوهش‌های حدیثی خاورشناسان در میراث امامیه»

علی حسن‌نیا^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۱۹

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱

چکیده

کشف روش‌های مطالعاتی خاورشناسان در میراث حدیثی شیعه و رویکردی که آنان در هر کدام از ابزارهای روشی پژوهش خویش برگزیده‌اند، مقدمه رسیدن به مسائل دیگری؛ همچون: اندیشه‌ها و عرصه‌ها و سپس ارزیابی، تحلیل و نقد آنان است. مطالعات خاورشناسی در این حوزه به سه روش عمده تاریخی، تطبیقی و توصیفی تقسیم می‌شوند، که در هر کدام، رویکردهای خاصی را شاهد هستیم: در مطالعات تاریخی، دو رویکرد تحلیلی و تحلیل درون‌متنی، در مطالعات تطبیقی، دو رویکرد تاریخی - تحلیلی و تحلیل درون‌متنی و در مطالعات توصیفی، چهار رویکرد تاریخی - تحلیلی، تحلیل درون‌متنی، پدیدارشناسی، و ساختارشناسی. افزون بر

این، در برخی موارد، شاهد تلفیقی از چند روش هستیم. مطالعه پیش‌رو، با تحلیل مجموعه فعالیت‌های خاورشناسان در میراث حدیثی امامیه، از ابتدا تا کنون و انواع گونه‌های پژوهشی ایشان در این حوزه، روش‌ها و رویکردهای روشی ایشان را استخراج، بررسی و تحلیل کرده، به ارزیابی این روش‌ها می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: حدیث پژوهی خاورشناسان، شیعه امامیه، روش‌شناسی، رویکرد روشی، مطالعه تحلیلی.

مقدمه

به منظور دریافتی صحیح و روشن از مجموعه تلاش‌ها و فعالیت‌های خاورشناسی^۱ در حوزه حدیث شیعه^۲، باید عرصه‌ها و حوزه‌های گوناگونی را بررسی کرد. این عرصه‌ها و حوزه‌ها می‌تواند از زاویه‌هایی چون، تاریخی، اجتماعی، روشی، رویکردی و موضوعی

۱. در باب معنای خاورشناس، نقطه اشتراک تعاریف مختلف این است: «شناخت شرق و مطالعه پیرامون آن توسط غیرشرفیان». (برای نمونه، نک: ادوارد سعید، ۱۳۷۱، ص ۱۵؛ الویری، ۱۳۸۱، ص ۸؛ اسعدی، ۱۳۸۱، ص ۲۵؛ شینی میرزا، ۱۳۸۵؛ زمانی، ۱۳۸۸؛ ناجی، ۲۰۱۱؛ خالد سعید، ۱۳۹۲، فصل چهارم: شرق‌شناسی؛ جدیدی بناب، ۱۳۹۳). به نظر این پژوهش، خاورشناس فردی است که، چه در اقلیم غرب و چه در اقلیم دیگری، هم‌گام و هم‌نوا با نوشته‌های غربیان، به مطالعه پیرامون مشرق‌زمین و به ویژه، زمانی که محدوده را اسلام و کشورهای اسلامی می‌دانیم، پیرامون محدوده‌ای از مشرق‌زمین که مشتمل بر اسلام است، پرداخته است. این نکته، با نظر برخی همچون موتسکی نیز هماهنگ است، که معتقد است مراد از پژوهش‌های غربی یا پژوهش‌های غیرمسلمانان این نیست که محققان این آثار همگی غربی یا غیرمسلمانند؛ مسأله اصلی تنها این است که اینان از سنت‌های تحقیق غربی پیروی می‌کنند (موتسکی، ۱۳۸۹، ص ۱۱، پانوش ۱).

۲. در این پژوهش، منظور از «شیعه»، «شیعه امامیه» یا «اثنی عشریه» است؛ امامیه، فرقه شاخص و ناجیه از میان فرق شیعه است که معتقد به امامت دوازده امام به نص هستند (نک: قسم الکلام، ۱۴۱۵، ص ۳۸). امروزه هرگاه از «شیعه» نام برده می‌شود، منظور «شیعه امامیه» است و اگر بر فرقه دیگری از شیعه دلالت کند، حتماً نیازمند قرینه‌ای است (الشهرستانی، ۱۳۶۸، ج ۱، صص ۲۳۴-۲۳۵ و نیز نک: جدیدی‌نژاد، ۱۴۲۴، ص ۸۴ برای دیدن برخی اقوال سنی در این باره، نک: قسم الکلام، ۱۴۱۵، صص ۱۸۰-۱۸۱).

صورت گیرد. به طبع هر کدام، در وصول به نگاهی جامع و درست از مجموع تلاش‌ها، همچون قطعه‌ای است از پازل چندبخشی مطالعات غربیان در حدیث شیعه. از نکات قابل تأمل در مطالعات غربی، بررسی روشی است که آنان در پژوهش‌های خود برگزیده‌اند. در حقیقت «روش‌شناسی»^۱ مطالعات غربیان در گستره حدیث شیعه، موضوعی است که پیش از هر چیزی بایسته دقت است. این موضوع تا آنجا اهمیت دارد که اساتید و متفکران فن تحقیق و پژوهش، برگزیدن روش را دومین مرحله پژوهشی برشمرده، در نظام تحقیقات علمی آن را مهم‌ترین مسئله، پس از انتخاب موضوع می‌دانند (نک: همین نوشتار: پانوش ۷).

بدون شک، شناخت روش پژوهشی هر مطالعه‌ای، خواننده را در رسیدن به شیوه‌گزینش مطالب و نتیجه‌گیری مأخوذ از آن‌ها یاری می‌رساند. اعتبار دستاوردهای هر دانش که از طریق پژوهش به دست می‌آید، به استحکام روش‌هایی که در آن استفاده شده است، بستگی دارد؛ به هر اندازه که این روش‌ها استحکام داشته باشد، آن علوم نیز استحکام بیشتری خواهد یافت؛ از این روی، دانشمندان تأکید می‌کنند که روش باید از یک نوع نظم، عقلانیت، روح علمی و واقعیت‌گرایی برخوردار باشد و از عواطف، تخیل، توهم و بی‌طرفی برحذر باشد. از نظر اندیشمندان، کار اصلی و عمده روش‌شناس این است که این ویژگی‌ها را از نظر منطقی بررسی کند (همان).

منظور از روش‌شناسی مطالعات خاورشناسان در حدیث شیعه، کشف روش‌های مطالعاتی ایشان در این حوزه و رویکردی^۲ است که آنان در هر کدام از ابزارهای روشی پژوهش در برخورد با میراث روایی شیعه برگزیده‌اند؛ به عبارت دیگر تبیین و تحلیل «روش‌شناسی» و «رویکردهای روشی» مطالعات خاورشناسی در حدیث امامیه مطلوب هدف این پژوهش خواهد بود، که با تحلیل مجموعه فعالیت‌های خاورشناسان در میراث

1. Methodology

2. Approach

حدیثی شیعه، از ابتدا تا کنون و انواع گونه‌های پژوهشی ایشان در این حوزه^۱ انجام خواهد شد.

شناخت این روش‌ها و رویکردهای روشی، ما را در رسیدن به مسائل دیگر تحقیق؛ یعنی، اندیشه‌ها و عرصه‌ها و سپس ارزیابی، تحلیل و نقد آنان یاری خواهد رساند؛ با شناخت روش تحقیقی مورد استفاده در مطالعات غربیان در باره حدیث شیعه، می‌توانیم در نتیجه‌گیری‌های برخاسته از تحلیل و رویکردهای اتخاذ شده توسط آنان، تلقی درست و منطقی را متصور شویم. هر قدر شناخت از روش‌ها دقیق‌تر باشد، و به عبارتی روش‌شناس کامل‌تری باشیم، بهتر خواهیم توانست اندیشه‌های آنان را مورد نقد و نظر قرار دهیم.^۲ اگر روش مطالعاتی آنان به خوبی درک و فهم شود، عرصه‌های مطالعاتی و نوع تحلیل آن‌ها در موضوعات و سپس اندیشه‌های زائیده شده از این تحلیل‌ها بهتر شناسایی خواهند شد.

همچنین ذکر این نکته ضروری است که، در بسیاری از پژوهش‌ها، به ویژه پژوهش‌هایی از جنس حدیثی، ممکن است در برخی موارد، از تلفیق چند روش با یکدیگر بهره برده شود؛ در حقیقت، یک پژوهش ممکن است «تاریخی - تحلیلی»، «تطبیقی - تحلیلی» یا «تاریخی - تحلیلی - تطبیقی» باشد، و این سه گونه پژوهش، «مانعه الجمع» نیستند و حتی ممکن است یک مطالعه از چند روش تحقیقی بهره برده باشد.

روش تحقیق در حوزه «مطالعات ادیان» کمی پیچیده‌تر از رشته‌های عادی علوم انسانی است (نک: پاکتچی، ۱۳۹۱، صص ۳۶-۴۲) و در این میان «مطالعات قرآنی و حدیثی»، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد؛ برای نمونه، بررسی جنبه‌های تاریخی حدیث، حتی از قرآن هم پیچیده‌تر است. دلیل آن هم این است که «حدیث» بر خلاف «قرآن»، «قطعی الصدور» نیست. بنابراین، در مورد حدیث، هم ویژگی‌های محتوایی با رویکرد نقد متن و هم ویژگی‌های اسنادی با رویکرد نقد سند قابل بررسی است. (همان، ص ۴۲)

^۱. در پژوهش مفصلی که در این باره صورت گرفت، گونه‌شناسی مفصلی از پژوهش‌های خاورشناسان ارائه شده است (نک: حسن‌نیا، ۱۳۹۴ ب).

^۲. به منظور دیدن بحثی مفصل در خصوص اندیشه‌ها، رویکردها و عرصه‌های مطالعاتی خاورشناسان در حدیث شیعه، (نک: حسن‌نیا، ۱۳۹۴ الف، فصل چهارم).

۱. روش‌شناسی مطالعات خاورشناسان در حدیث شیعه (امامیه)

روش‌شناسی^۱ پژوهش‌های غربیان در یکی از شیوه‌های پژوهشی تاریخی، تطبیقی و توصیفی دسته‌بندی می‌شود و در هر کدام، شاهد یک یا چند رویکرد مجزا خواهیم بود، ضمن آن‌که در برخی موارد، تلفیقی از روش‌ها نیز دیده می‌شود:

۱-۱. روش تاریخی

اغلب پژوهش‌های غربیان با «روش تاریخی»^۲ به مکتوبات حدیثی شیعه توجه داشته‌اند؛ زیرا، اولاً بین مطالعات اصول و مبانی شیعی و مباحث حدیثی به صورتی گسترده،

^۱ در اصطلاح، «روش‌شناسی» همان زبان مشترک بین پژوهندگان در عرصه‌های گوناگون تحقیقی است، که آنان در تعیین روش تحقیق خود و استفاده از آن روش‌ها (به منظور آشنایی با مفهوم روش در تحقیقات علمی، نک: فرامرزق‌راملکی، ۱۳۸۳، ص ۳۵؛ ساروخانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۴؛ واثق غزنوی، ۱۳۸۹) در چارچوب و مراحل مشخصی به کار می‌گیرند (پاکتچی، ۱۳۹۱، فصل سوم: روش‌شناسی). مقصود از روش‌شناسی، شناخت و بررسی کارآمدی‌ها و ناکارآمدی‌های روش‌های گوناگون است.

اگر به کارگرفتن روش را دانشی درجه اول (First order) محسوب کنیم، تحلیل و بررسی خود روش‌ها (روش‌شناسی)، دانشی درجه دوم (Second order) (نک: پارسانیا، ۱۳۸۳، ص ۱۰) محسوب خواهد شد (ساروخانی، ۱۳۷۵). و اما، در کاربردهای دینی این اصطلاح، در تعیین روش یک تحقیق، به انواعی چند از مطالعات برمی‌خوریم: «مطالعه تاریخی، مطالعه تطبیقی، مطالعه تحلیلی» (نک: پاکتچی، ۱۳۹۱)، که البته با توجه به تنوع مطالعات، در انواع روش‌های پژوهشی توصیفی (فرامرزق‌راملکی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۰)، هم‌بستگی، تجربی و علی‌گنجانده شده (نقیبی، ۱۳۹۰، صص ۶۴-۶۵)، و یا در بسیاری مواقع به جهت پیچیدگی در مطالعات دینی و به ویژه در حوزه قرآن و حدیث، ترکیبی از چند روش را در این گونه پژوهش‌ها شاهد هستیم.

^۲ برای آشنایی با روش تاریخی در تحقیقات علمی، نک: فرامرزق‌راملکی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۲؛ نقیبی، ۱۳۹۰، ص ۶۴؛ پاکتچی، ۱۳۹۱، ص ۷۶. در مطالعه تاریخی، مانند هر برنامه پژوهشی نظام‌مند، دو مرحله اساسی «توصیف» و «تبیین» وجود دارد و بر این اساس، فرایندهایی را در مطالعه تاریخی متصور می‌شوند (فرامرزق‌راملکی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۵). این روش را نباید با تاریخ‌نگاری یکسان دانست؛ تاریخ‌نگاری صرفاً گزارش و توصیف محض رخدادهاست، بدون این‌که درباره علل و زمینه‌های پیدایش آن‌ها اظهار نظر شود.

ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد و ثانیاً بررسی موردی جریان مطالعاتی آنان نشان می‌دهد که ایشان در پژوهش‌های حدیثی خود همواره عقبه‌ زمانی ادبیات حدیث را به عنوان یک اصل در نظر گرفته و به عبارت بهتر، از زاویه دید «تاریخ حدیث» به تحلیل و نقد می‌نشینند. نیومن، بر این باور است که:

«...رویکردی تاریخی به احادیث شیعه دوازده امامی، که از بحث‌های بی‌پایان مربوط به اعتبار [احادیث] دور باشد - آنچه که از آغاز پژوهش‌های غربی درباره احادیث اهل تسنن، مشخصه این پژوهش‌ها بوده است - مفید به نظر می‌رسد، به خصوص اگر بر مجموعه‌های روایی متعدد، تفاوت‌های بین آن‌ها و به ویژه شرایط گوناگونی که هر یک از مجموعه‌ها در آن شرایط گردآوری شده است، متمرکز شود.» (نیومن ۱۳۸۶)، ص ۷۳

مطالعات به روش تاریخی در حوزه حدیث شیعه از سوی خاورشناسان با دو رویکرد «تحلیلی» و «تحلیل درون‌متنی» وجود دارد:

۱-۱-۱. مطالعات تاریخی با رویکرد تحلیل

برخی از مطالعات صورت گرفته، بر اساس روش تاریخی و با رویکردی تحلیلی انجام شده‌اند. به عبارت دیگر، در این گونه پژوهش‌ها، روش تحلیل تاریخی، مبنای کار نویسنده بوده است؛ نمونه اول، پژوهش «از امامیه تا اثنی عشریه» (Kohlberg, 1976) کلبرگ است که به روش تاریخی به مستدل ساختن احتمال گرایش امامیه به اعتقاد «دوازده امام و غیبت آخرین آن‌ها» در مرحله‌ای مهم از تاریخ خود می‌پردازد. او با بررسی چگونگی تطور، رشد و تحول عقیده اثنی عشریه و نیز توصیف و تحلیل چرایی ظهور این عقیده و خاستگاه‌های آن، به نتیجه‌گیری دست زده است. در این پژوهش، روش کاملاً تاریخی است و رویکرد اتخاذ شده در آن به شیوه توصیف و تحلیل

اگر بخواهیم نمونه‌ای از تاریخ‌نگاری را مثال بزنیم، می‌توان به شیوه برخی از خاورشناسان، چون ادوارد براون، در تحلیل مسائل مهدویت اشاره کرد، که آثارشان از مهم‌ترین منابع در بررسی فرقه‌های دروغین مهدویت در سده‌های اخیر به شمار می‌آید (نک: راد، ۱۳۹۳، صص ۱۵۵-۱۵۹).

است. یعنی، مؤلفه‌های لازم در یک پژوهش تاریخی که توصیف و تبیین هستند و نیز کلیه مراحل لازم (گفته شده در روش تاریخی)، رعایت شده‌اند.

نمونه دوم، نوشتاری است از امیرمعزی، با عنوان «صحت حدیث شیعه امامیه و ارزیابی ملاک‌های مرتبط با مرجعیت فقیه» (Emir-Muezzi, 2003).

او نیز به روش تاریخی - تحلیلی، در پی اثبات این مدعی است که تدوین آثار شیعی در سده نخست، بیشتر برخاسته از نگاه سیاسی عالمان شیعی و در سده دوم و سوم هجری، نتیجه جریان باطنی‌گرایی شیعیان است. در حقیقت وی از خاستگاه‌ها، سیر تطوری، بیان چرایی‌ها در گذر زمان و تحلیل خود از توصیف واقعیت‌های تاریخی، به نتیجه رسیده است. در این پژوهش نیز، مؤلفه‌های مختلف یک مطالعه به روش تاریخی و با رویکرد تحلیل دیده می‌شوند.

نمونه سوم، مقاله باکلی با عنوان «غلات نخستین شیعه» است (Buckley, 1997)؛ وی با بهره‌گیری از روش تحلیل تاریخی و با استفاده از منابع متعدد شیعی و اسلامی، جریان غلات را در آینه تاریخ شیعه نگریسته، تبلور اندیشه آنان در منابع اسلامی، به ویژه روایات، را بررسی نموده و تعامل اندیشوران شیعی با افکار غالیان را به دقت گزارش کرده است. او در این مطالعه، تمامی مؤلفه‌های یاد شده در یک مطالعه به شیوه تاریخی را لحاظ کرده و در نهایت با تحلیل و تبیین خود، به نتیجه لازم رسیده است.

در این بخش همچنین باید از دو اثر دیگر یاد کرد که در هر دو، شیوه به کار گرفته شده، تاریخی - تحلیلی است؛ در اولی (Büyükkara, 2000)، جریان وقف در دوران امام کاظم (علیه‌السلام) پی گرفته شده، نویسنده به بررسی تحلیلی تاریخی و فرقه‌شناختی پیرامون علل پیدایش و نتایج فرقه‌بندی واقفیه در تاریخ شیعه می‌پردازد. و در اثر دیگر (Büyükkara, 2005)، که به صورت خاص به حدیث شیعه و مبانی تفکر فقهی اصولی مذهب تشیع مرتبط است، به مباحثی همچون حدیث و تاریخ حدیث شیعه، روش‌شناسی حدیث در شیعه، علم رجال، جرح و تعدیل و رجال شیعه پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱. مطالعات تاریخی با رویکرد تحلیل درون‌متنی

گونه‌ای از پژوهش‌های خاورشناسی در حوزه حدیث شیعه که به شیوه تاریخی نگارش شده‌اند، در مطالعات خود از رویکرد تحلیل درون‌متنی روایات بهره‌جسته‌اند. در این دست از آثار، مطالعه به شیوه بررسی تاریخی (شناخت مراحل تطوری یا دوران‌ها و زمان‌های سپری شده در یک موضوع) صورت گرفته، اما رویکرد اتخاذ شده، یا به عبارتی، ابزار به کار برده شده در فرایند تحقیق، برخی متون روایی بوده است؛ نمونه این آثار، مقاله‌ای است از کُلبِرگ، که در پژوهشی به بررسی و تحلیل یک سند غیرمعمول در شیعه پرداخته است (Kohlberg, 1975).

وی در این مقاله، به زوایای تاریخی بحث به صورت گسترده‌ای اشاره کرده و نقل امام باقر (علیه‌السلام) را از جابرین عبدالله انصاری، به عنوان یک اسناد غیرمعمول شیعی، مورد بحث قرار داده است. البته عنوان این پژوهش در ابتدا ممکن است خواننده را دچار سردرگمی سازد که اگر منظور کُلبِرگ از مقاله، بررسی سند است، پس چرا به آن تحلیل درون‌متنی گفته‌ایم؟! در پاسخ باید گفت که، منظور از تحلیل درون‌متنی، به معنای خود متن روایت نبوده است، بلکه تمامی روایت، اعم از متن و سند مورد نظر است، ضمن آن که در پژوهش نام‌برده شده، نویسنده بیش از آن که به سند پردازد، به تحلیل شرایط صدور روایت و متن آن پرداخته است. از این رو، مطالعه مذکور که به شیوه تاریخی انجام گرفته، رویکرد تحلیل درون‌متنی این روایت، که به زعم نویسنده دارای سند غریب یا غیرمعمول در شیعه است، می‌باشد.

در نمونه دوم از این دست، در ضمن بررسی تعدادی از مناظرات صورت گرفته بین امام صادق (علیه‌السلام) و منصور عباسی، به تحلیل درونی و ساختاری روایات پرداخته شده، تلاش شده تا از دل این روایات به یک مدل روایت‌سازی برسد. اساس این پژوهش (Buckley, 2007)

بر روش تحلیل ساختاری بنیان می‌شود. این مقاله به شناسایی مجموعه موضوعاتی (خمیرمایه‌های اصلی) می‌پردازد که روایات از روی آن‌ها تدوین شده‌اند و آن‌ها را از نظر توازن کمی و کیفی به کار رفته در روایات بررسی می‌کند. علاوه بر این، ساختار

گسترده‌تر موضوعی روایات مورد تفحص قرار گرفته، در نتیجه تصویری از اهمیت فرهنگی این مجموعه‌ها به عنوان نمادهایی از نظریه شیعه امامی در ارتباط بین مرجعیت دینی و سیاسی ارائه می‌کند.

۲-۱. مطالعات تطبیقی

پژوهشیان غربی در شیوه‌های مطالعاتی خود، یکی از مواردی که مورد نظر قرار داده و بر اساس آن به تحقیق و پژوهش دست یازیده‌اند، مطالعات تطبیقی است. در مطالعات حدیثی شیعه، این شیوه را می‌توان با دو رویکرد «تاریخی - تحلیلی» و «تحلیل درون‌متنی» مشاهده کرد:

۱-۲-۱. مطالعات تطبیقی با رویکرد تاریخی - تحلیلی

گونه‌ای از مطالعات خاورشناسی در حوزه حدیث شیعه، به شیوه تطبیقی و با رویکرد تاریخی - تحلیلی نگارش شده‌اند؛ به این معنا که، در این پژوهش‌ها، نویسندگان مجموعه‌ای از روایات یا کتب روایی را به عنوان موارد مطالعاتی خود انتخاب کرده، سپس با تطبیق و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، از زوایای مختلفی؛ همچون، ساختاری، شکلی، محتوایی، موضوعی و... سعی نموده‌اند تا زوایای تاریخی و جریانی موجود در آن موضوعات را برکاوند. در این تحلیل‌ها، بررسی نکات تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در نگاشت یک کتاب، رویکرد یک نویسنده در مباحث، موضوعات مورد اهتمام نویسندگان هم‌عصر با وی و... مورد توجه آنان است.

یکی از بهترین این نمونه‌ها، کتاب دوره شکل‌گیری تشیع دوازده‌امامی: گفتمان حدیث میان قم و بغداد از نیومن است. (Newman, 2000) این اثر به صورت ویژه‌ای به بررسی تاریخی - تحلیلی در متون روایی متقدم شیعه پرداخته - همان‌گونه که خود در

مقدمه کتاب بدان اشاره کرده است (نیومن، ۱۳۸۶، ص ۷۳) و دیگرانی مانند کُلبِرگ بر آن صحنه گذاشتند.^۱

اساس کار او بر مقایسه تطبیقی بین سه جامع نخستین امامی (المحاسن، بصائرالدرجات و الکافی) به همراه المقتعه شیخ مفید، واکاوی و یا به عبارت پیش گفته، به نطق در آوری کتاب و کشف اراده نویسنده از دل محتوای کتب، به همراه توصیف شرایط نگارش آن‌ها و مباحث پیرامونی ساری در جامعه آن زمان، به شیوه‌ای دقیق بوده است. این مطالعه، تاریخ و احادیث شیعه را از نظر اعتقادی، سیاسی و اجتماعی در شهرهای بغداد، قم و ری در قرن‌های سوم و چهارم هجری مورد بحث قرار داده است.

نمونه دیگر، نوشتاری مهم و قابل توجه از گلیو است، با عنوان «پیوند حدیث و فقه: مجموعه‌های رسمی اخبار امامیه» (Gleave, 2001)، که در آن به شیوه تطبیقی، مراحل مختلف پیدایش جوامع نخستین شیعی بررسی شده‌اند. وی تلاش کرده تا با ارائه ادله مستند، تأثیرگذاری حدیث را بر پدیدار شدن سنت فقهی در مکتب فقهی امامیه، تبیین کند و برای این کار، احادیث باب تیمم و آیین طهارت با شن به جای آب را از کتب اربعه، به عنوان نمونه پژوهشی انتخاب کرده تا مشترکات و تفاوت‌های روشی کتب اربعه حدیثی شیعه را در احادیث نشان دهد. روش به کار رفته در کار وی تطبیقی - تحلیلی است، اما رویکردی که منجر به پدیداری نظریه پیوند فقه و حدیث در طول زمان شده است، یک رویکرد تاریخی است.

۲-۲-۱. مطالعات تطبیقی با رویکرد تحلیل درون‌متنی

دسته دیگر از مطالعات تطبیقی، با رویکرد تحلیل درون‌متنی صورت می‌گیرد؛ به این معنا که، مطالعات، مانند دسته گذشته به صورت تطبیقی بین چند روایت، کتاب، نویسنده، روش، رویکرد و... صورت گرفته، اما رویکرد اتخاذ شده در آن، به شیوه تحلیل درون‌متنی آثار بوده است. نویسندگان این پژوهش‌ها تلاش دارند تا روایات را واکاوی و بررسی کنند

^۱ به تصریح کُلبِرگ، رویکرد تاریخی در حدیث نخستین شیعه توسط آندرو نیومن در این کتاب به درستی بررسی و مطالعه شده است (Kohlberg, 2013-A, p. 171).

و در مقایسه با موارد مطالعاتی دیگر خود از کتاب، راوی، امام و نویسندگان دیگر، به تحلیل و نقد و نظر دست یابند.

در این دست از مطالعات می توان همچنین از مقاله «جنبه های تفسیر فراتاریخی شیعه از داستان قربانی ابراهیم (علیه السلام) در مقایسه با نگره یهود، مسیحیت و احادیث اهل سنت» (Firestone, 1998)، از فایرستون اشاره کرد. این نوشتار همان گونه که از نام آن پیداست، به بررسی دیدگاه ادیان آسمانی و روایات شیعی در باره ذبیح ابراهیم (علیه السلام) به گونه ای تطبیقی با رویکرد تحلیل متون روایی پرداخته است. در حقیقت، وی با بررسی روایات متناظر به موضوع ذبیح ابراهیم، و مقایسه آنها در داستان های موجود در یهود، مسیحیت و اهل سنت، تحلیلی از معنای ذبیح در شیعه ارائه کرده است.

افزون بر این، با توجه به تلاشی که نیومن در کتاب دوره شکل گیری تشیع دوازده-امامی برای تحلیل متون آمده در کتب مورد مقایسه خود صورت داده است، می توان از زاویه ای دیگر، این بخش معناشناسی متون را هم یک نوشتار تطبیقی گونه با رویکرد تحلیل درون متنی دانست. علاوه بر این، تلاش گلیو در مقاله «پیوند حدیث و فقه» نیز، اگر از زاویه بررسی های موشکافانه و دقیق او در دل روایات دیده شود، یک مطالعه تطبیقی با رویکرد تحلیل درون متنی خواهد بود.

۱-۳. مطالعات توصیفی

نوع دیگر مطالعات خاورشناسان به گونه مطالعات توصیفی^۱ انجام شده است؛ این گونه خود به انواع مطالعات توصیفی با رویکردهای «تاریخی - تحلیلی»، «تحلیل درون متنی»، «پدیدارشناختی» و «ساختارشناسی» تقسیم می شوند:

۱. عمده ترین جهت گیری تحقیقات، جستار از توصیف و تبیین است و مهم ترین توقع از هر پژوهشی، ارائه توصیف و تبیین است. (فرامرزرقراملکی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۰) در مطالعات به گونه توصیفی، روش به کار برده شده به صورت توصیف یک پدیده یا گزاره است، که خود به دو صورت توصیف موردی و توصیفی - تحلیلی تقسیم می شود؛ در روش اول، پژوهش گر یک موقعیت یا موضوعی را با تکیه بر اطلاعات جمع آوری شده با دقت و حفظ عینیت توصیف می نماید؛ مانند توصیف ویژگی های یک راوی یا کتاب (توصیفی موردی) و در روش دوم، یک متن برای فهم و تحلیل محتوای آن و کشف اراده متکلم و به نطق

۱-۳-۱. مطالعات توصیفی با رویکرد تاریخی - تحلیلی

برخی از آثار، به شیوه مطالعات توصیفی انجام شده‌اند، اما توصیف پدیده‌ها و جریان‌های تاریخی در آن‌ها بیش از پیش نمایان است؛ به دیگر سخن، در این آثار، نویسندگان از طریق توصیف و تحلیل تاریخی به نتایج و ارزیابی دست یافته‌اند؛ برای نمونه، مقاله «خاستگاه حدیث شیعه» (Buckley, 1998) از باکلی، که با شیوه توصیفی و رویکردی کاملاً تاریخی، به بیان خاستگاه حدیث شیعه در دوران پیش از عباسیان و حکومت عباسی می‌پردازد، به این گونه عمل کرده است. وی، ضمن توصیف جریان‌ها، قیام‌ها و شرایط آن زمان، در نتیجه‌گیری خود مبنی بر شناسایی مجموعه جامع و منسجم هنجارها و قوانین فقهی - دینی شیعی در دوران عباسی و پیش از آن، رویکردی تاریخی - تحلیلی دارد.

نمونه دیگر، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری (Modarressi, 2003, vol. 1) از مدرس طباطبایی است. او در این پژوهش فراگیر، تلاش کرده تا با فهرست کردن قطعات برجای مانده از متون پیشین شیعی، اما غالباً مفقود که می‌تواند پایه‌ای برای بازسازی بسیاری از آن آثار باشد، میراث مکتوب شیعه را در سه قرن نخست هجری بازبایی کند. اساس مطالعه وی بر توصیف داده‌است اما رویکرد اتخاذ شده توسط وی، رویکردی تاریخی - تحلیلی است و نتیجه تلاش وی به تاریخ‌گذاری روایات انجامیده است.

گلیو نیز در کتاب *اسلام متن‌گرا؛ تاریخ و دکتترین مدرسه شیعی اخباری* (Gleave, 2007)، با توصیف گزاره‌ها و گفتارهایی از علما در مقطعی از تاریخ، سعی دارد تا به صورت عمیق، اندیشه‌های اخباریان را نشان داده، با بررسی‌های خود تصویر صحیحی از آن برای خواننده ارائه دهد. او در این کتاب، با رویکردی تاریخی و مطالعه‌ای که مبتنی بر مطالعه توصیفی - تحلیلی از جنس علی - همبستگی است، به واکاوی این اندیشه‌ها پرداخته است.

درآوردن آن توصیف می‌شود (توصیفی - تحلیلی)، مانند توصیف روایات مرتبط با یک موضوع (نقیبی، ۱۳۹۰، ص ۶۴).

در این بخش همچنین باید از چند نوشتار از کُلبرگ یاد کرد؛ اساساً عمده آثار کُلبرگ به صورت تاریخی - توصیفی - تحلیلی نگارش شده‌اند؛ دو مقاله «برخی نظرات شیعه امامیه در باره صحابه» (Kohlberg, 1984)، که توجه به اختلافات و نقل مواضع تند برخی از اهل سنت در باره دیدگاه شیعه نسبت به اصحاب، مهم‌ترین محور آن است و «مسلمانان غیرامامی در فقه امامی» (Kohlberg, 1985-A)، که بر پایه این تفکر که نگرش امامیه به مسلمانان غیرامامی، متنوع و متفاوت بوده است و بازتاب آن در منابع مختلف الاهیاتی، کلامی و حدیثی مشاهده می‌شود، و به هدف بررسی این نگرش در متون فقهی امامیه نگارش شده‌اند، تابع این روش پژوهشی بوده‌اند.

مقاله مهم او نیز با عنوان «اصول اربعمئه» (Kohlberg, 1987)، که به گونه‌ای انتقادی و تحلیلی، به شیوه توصیف اصول چهارصد گانه شیعی به بیان ویژگی‌ها، اهمیت، اقوال علمای اصولی و اخباری شیعه، فهرست نمودن مؤلفان آثار و نسخه‌های خطی موجود از اصول و ذکر برخی نکات دیگر، نگارش شده است، بر اساس همین روش پژوهشی انجام گرفته است. او در این مقاله مفصل، از روش توصیف داده‌ها و سپس تحلیل و نقد آن‌ها در گذر زمان بهره برده است.

دیگر اثری که شایسته یادکرد است و در عداد مطالعات توصیفی - تاریخی - تحلیلی گنجانده می‌شود، تحلیل و توصیفی است تاریخی، با عنوان «متون مقدس معتبر نزد شیعه امامی نخستین» (Kohlberg, 1994)، که در آن، مباحثی همچون ارزش قرآن، تحریف قرآن، توصیف کتب مقدسی مانند جفر، صحیفه و جامعه در شیعه و تحلیل مباحثی همچون غیبت و کتب مقدس در نزد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را مطرح می‌شود.

همچنین در نوشتاری دیگر، با عنوان «جنبه‌هایی از اندیشه اخباری در قرون هفدهم و هجدهم» (Kohlberg, 1991)، از شیوه توصیف داده‌های تاریخی و تحلیل آن‌ها بهره جسته است. وی در این نوشتار می‌کوشد تا شاخصه‌های برجسته اندیشه اخباری در قرن هفدهم و هجدهم را با تأکید بر آثار شخصیت‌های مهم اخباری مورد بررسی قرار دهد. علاوه بر این تألیفات، مقاله مهم وی در باب حدیث شیعه (Kohlberg, 2013-A) نیز به شیوه توصیف و تحلیل به اهمیت و جایگاه حدیث، مهم‌ترین موضوعات، مسائل،

رویکردها و آثار غربیان در حدیث شیعه، سیر تلاش‌ها در مطالعات حدیثی شیعه در غرب و حدیث در زیدیه و اسماعیلیه پرداخته است.

نوشتار مفصل برونر، با عنوان «حدیث به عنوان حافظه فرهنگی شیعه» (Brunner, 2005)، که در پی پاسخ به این پرسش که اساساً چه اتفاقی افتاد و چه عواملی باعث شد تا ایرانیان به شیعه گرایش یافتند، در حالی که در زمان حضور صفویه در ایران، دو سوم مردم سنی مذهب بودند؟! تدوین شد، نمونه دیگری از این دست مطالعات است؛ برونر شیوه مطالعاتی خود را بر توصیف مفصل تاریخی و تحلیل داده‌ها گذاشته است. البته وی در این مقاله، به برخی دیگر از انواع مطالعات نیز متوسل شده است؛ همچون مطالعه با رویکرد ساختارشناسی کتاب *بحار الأنوار*، که در ادامه از این رویکرد سخن خواهیم گفت.

نمونه دیگر، کتاب حدیث: میراث محمد در قرون میانه و دنیای مدرن (Brown, 2009) از جاناتان براون است، که به سیر حدیث و حدیث‌نگاری بعد از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌پردازد. براون در این اثر تحلیلی - انتقادی، مباحث حدیث را از زوایای مختلف دانش‌های حدیثی؛ به ویژه، تاریخ و رجال حدیث در فصول مختلف بررسی کرده است. شیوه کاری وی نیز بر توصیف داده‌های تاریخی و تحلیل و ارزیابی آنها بوده است.

و بالاخره کتاب ارزشمند لالانی را نیز باید از همین سنخ عنوان کرد؛ او که در *نخستین اندیشه‌های شیعی: تعالیم امام محمد باقر (علیه‌السلام)* (Lalani, 2000)، به ریشه‌های شکل‌گیری عمده روایات و تفکر شیعی در دوران امام محمد باقر (علیه‌السلام) می‌پردازد، رویکردی کاملاً توصیفی - تاریخی داشته، اطلاعات مستند را با روش‌های نوین نقد تاریخ به تحلیل و بررسی نشانده است.

او در فصول هفت‌گانه کتاب خود، مطالبی همچون امامت پیش از امام محمد باقر (علیه‌السلام)، جنبه‌هایی از زندگی و سیره امام محمد باقر (علیه‌السلام)، نظرات امام محمد باقر (علیه‌السلام) در باره امامت، نظرات امام محمد باقر (علیه‌السلام) در باره برخی از مسائل کلامی، امام محمد باقر (علیه‌السلام) در حوزه‌های اهل حدیث، و سهم امام محمد باقر (علیه‌السلام) در فقه شیعه را توصیف و تحلیل کرده است. شیوه وی در بیان مطالب در ابتدا

توصیف گزاره‌هاست که با توجه به تاریخی بودن موضوع مورد بحث، رویکردی که نویسنده اتخاذ کرده تاریخی بوده است. نویسنده در این رویکرد تاریخی، برای رسیدن به نتایج مورد نظر خود، نیازمند تحلیل و نقد بوده است، که در سرتاسر فصول کتاب، تحلیل‌های وی از توصیف گزاره‌های تاریخی، مشهود است.

۱-۳-۲. مطالعات توصیفی با رویکرد تحلیل درون‌متنی

قسم دیگر از مطالعات توصیفی، رویکردشان بر اساس تحلیل‌هایی است که از دل روایات و متون روایی بیرون کشیده‌اند. در این بخش از مطالعات، اساس مطالعه بر توصیف داده‌هاست، اما برای حصول به نتیجه، ناگزیر از تحلیل‌های درون‌متنی استفاده شده است. به دیگر سخن، بررسی دلالات معنایی و زبان‌شناختی متون روایی در کنار تحلیل و نقد، شاخصه مطالعات با رویکرد درون‌متنی است. این روش در محدوده درون روایات رخ می‌دهد در حالی که در مطالعاتی مانند تاریخی یا پدیدارشناختی، که در ادامه از آن سخن خواهیم گفت، نگاه بیرونی به متون روایی وجود دارد.

در آثار «فقه الحدیثی»، پژوهش‌ها به این گونه؛ یعنی به شیوه «توصیفی - تحلیلی» و با رویکرد «تحلیل درون‌متنی» روایات انجام می‌شوند. به تعبیر دیگر، روش مطالعاتی در این دست پژوهش‌ها، به گونه «فقه الحدیثی» است، که در برخی موارد، به روش «مطالعه تطبیقی» نیز صورت گرفته است. این گونه از مطالعات عمدتاً به بررسی یک حدیث، یک عقیده شیعی و یا یک موضوع خاص شیعی می‌پردازد.

برای نمونه، کالدر در مقاله «وثاقت فقهی (قضایی) فقه شیعه امامیه» (Calder, 1979)، با بررسی دو روایت در فصل قضاء از کتاب کافی، تحلیلی در خصوص مرجعیت فقهی و دینی شیعه ارائه داده است. وی مبنای مطالعه‌اش را بر توصیف اطلاعات در دست و برگرفته از متون گزینشی خود از کافی گذاشته، اما در نتیجه‌گیری به تحلیل آن اطلاعات و روایات پرداخته است.

مقالات «اصطلاح رافضه در کاربرد شیعه امامیه» (Kohlberg, 1979-B)، که به نخستین کاربردهای رافضه در ارتباط با جریان زید و پس از آن به عنوان کلمه‌ای

تحقیق‌آمیز برای امامیه پرداخته و با ذکر نمونه‌هایی روایی، تغییر تدریجی معنای رافضه را - از یک عنوان نامناسب به عنوایی نکو و تفسیر مطلوب آن - نشان می‌دهد، «اصطلاح محدث در شیعه اثنی عشری» (Kohlberg, 1979-A)، که اصطلاح محدث را در روایات و کاربرد شیعیان اثنی عشری مورد بررسی قرار می‌دهد، «جایگاه ولد الزنا در شیعه امامیه» (Kohlberg, 1985-B)، که با پرداختن به موضوع ولد الزنا در تفکر امامیه، آن را در دل روایات ناظر به این موضوع تحلیل می‌کند و «روایت ابوبصیر؛ آیات قرآن در باره محاسن شیعه» (Kohlberg, 2013-B)، که با پرداختن به روایتی از فروع کافی، به بررسی گفتگویی از ابوبصیر با امام صادق (علیه السلام) می‌پردازد، همگی از اتان کُلبِرگ، به همین شیوه مطالعاتی انجام شده‌اند. در نوشتار آخر، ابتدا گزارش کافی با مجموعه‌های حدیثی دیگر (شرح الأخبار، فضائل الشیعه، الاختصاص و اعلام الدین) سنجیده شده و اختلافات آن مورد توجه قرار گرفته است.

و بالاخره، نوشتاری از سینداوی، با عنوان «الاغ پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حدیث شیعه» (Sindāwī, 2006)، قابل ذکر است که به موضوع مرکب پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روایات شیعی نظر دارد و به صورت مقایسه‌ای به مجموعه روایات مرتبط با این بحث اشاره کرده است. او همچون همکاران خود، کُلبِرگ و قسطنطین (۱۹۱۴-۲۰۱۰ م)^۱، در پژوهش‌هایش با نگاه جزئی و درون‌متنی به روایات نگریسته است.

نکته جالب توجه این که، اغلب نوشته‌های فوق در دسته پژوهشی «فقه الحدیث» جای می‌گیرند. می‌توان گفت که شیوه مطالعاتی مسترقان در گونه مطالعاتی فقه الحدیث در حدیث شیعه، به شیوه توصیفی و با رویکرد تحلیل درون‌متنی صورت گرفته است.

۳-۳-۱. مطالعات توصیفی با رویکرد پدیدارشناختی

پدیدارشناختی دین^۲، موضوعی است که در سده‌های اخیر رواج فراوانی یافته است. از اواخر قرن نوزدهم میلادی، «پدیدارشناسی» به مثابه یک روش در دین‌پژوهی مطرح شد

^۱. M. J. Kister.

^۲. Phenomenology of Religion

و برخی از فیلسوفان دین‌پژوه بدان اهتمام ورزیدند تا این که به تدریج در جهان شرق نیز طرف‌دارانی یافت. در دوره پیدایش این اصطلاح از قرن نوزدهم تا بیستم، برداشت‌های متنوعی از آن به وجود آمد. برخی پدیدارشناسی دین را رهیافتی مهم در دین‌پژوهی معاصر خوانده‌اند، که به لحاظ تاریخی، محصول تلفیق دو جریان فکری پژوهشی در قرن نوزدهم بوده است؛ این دو جریان عبارتند از: پژوهش‌های علمی در باب دین و روش پدیدارشناسی هوسرلی.

برخی هم پدیدارشناسی را یک استراتژی تحقیق در پژوهش‌های کیفی دانسته، برای آن گام‌هایی، از سه تا هفت گام، برشمرده‌اند. (نک: راد، ۱۳۹۳، صص ۱۶۰-۱۶۱).^۱

پدیدارشناسی یا شناختی، بیش از همه در مورد پژوهش‌های فقه‌الحدیثی خاورشناسان که با عقاید شیعه مرتبط است به کار می‌رود. توضیح آن که، آنان در برخورد با مؤلفه‌ها و بنیادهای اعتقادی شیعه، معمولاً به دو شیوه «تاریخی - تحلیلی» و «پدیدارشناسی» عمل می‌کنند. هر دو روش از شیوه‌های شناخته شده در غرب‌اند که در مطالعه و بررسی مسائل و موضوعات علوم انسانی، از جمله در دین‌پژوهی به کار گرفته می‌شوند؛

در روش تاریخی - تحلیلی، خاورشناسان می‌کوشند تا مؤلفه‌های اعتقادی تشیع را با توجه به ریشه‌ها و تحول‌های تاریخی بررسند؛ زیرا اصولی همچون امامت، مهدویت، مرجعیت و... در بستری از روی داده‌های تاریخی پدید آمده‌اند. این شیوه بیشتر خاورشناسان پیش از قرن بیستم^۲ تا آغاز آن بوده و هنوز هم چنین رویکردی در میان‌شان ساری است. (همچنین نک: چلونگر، ۱۳۸۷، ص ۳۴ و ناجی، ۲۰۱۱، مقدمه)

۱. به طور کلی می‌توان دو تعریف از پدیدارشناسی روش‌شناختی ارائه کرد: ۱. پژوهش توصیفی صرف، متعلق به موضوعی معین و مبتنی بر شعور بی‌واسطه (کارل اشمیت (۱۸۸۸-۱۹۸۵ م) (Carl Schmitt) ۲. شناخت امر ناپیدا و نهان‌شده از آن‌چه پیدا و عیان است (باطن‌شناسی از طریق ظاهر) (هانری کربن (۱۹۰۳-۱۹۷۸ م) (Henry Corbin) و در مجموع می‌توان گفت: پدیدارشناسی، رهیافتی است توصیفی که در گستره‌های مختلف، کارایی دارد و نقش آن، نشان دادن ابعاد مخفی و پنهان پدیده‌ها، به ویژه پدیدارهای کثیرالاضلاع است. (فرامرزق‌املکی، ۱۳۸۵، ص ۳۴۲).

۲. مانند: فان فلوتن، دار مستتر و گل‌تسیهر.

اگر بخواهیم نمونه‌ای را به صورت مشخص ذکر کنیم، موضوع «مهدویت» است؛ در روش تاریخی مهدویت‌پژوهی در غرب، تلاش بر این است تا از مهدویت، تحلیلی تاریخی - جامعه‌شناختی ارائه شود. این نگاه به مهدویت، متأثر از نگاهی خاص در دین‌پژوهی است که اساساً دین را پدیده‌ای انسانی تلقی می‌کند و آن را برابندی از ترکیب نیازها و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، محیطی و آداب و رسوم قومی و ملی می‌داند. بر اساس این نگاه، دین و آموزه‌هایش ریشه‌ای انسانی - تاریخی دارد و از هرگونه هویت فراتاریخی و فرا بشری به معنای الهی یا وحیانی تهی است.^۱

اما محل سخن در این جا بر رویکرد «پدیدارشناسانه» است؛ پژوهندگان غربی، با استفاده از شیوه «پدیدارشناسی»، به بیان توصیف آموزه‌های شیعه پرداخته، کارکردها و تأثیرهای آموزه‌ها را در درون نظام و سیستم اعتقادی و فکری شیعه بررسی می‌کنند.^۲ برای نمونه، از میان تعداد زیاد پژوهش‌های فقه الحدیثی با موضوع عقاید شیعه، می‌توان به آن دسته از پژوهش‌ها اشاره کرد که به موضوع غیبت و مهدویت پرداخته‌اند.^۳

۱-۳-۴. مطالعات توصیفی با رویکرد ساختارشناسی

بررسی ساختاری و روشی «منابع حدیثی شیعه»، از جمله محورهای مورد مطالعه خاورشناسان است. مطالعات آنان در این قسم، به شیوه «توصیف موردی» و به منظور ساختارشناسی و روش‌شناسی آثار صورت می‌گیرد. خاورشناسان در این آثار سعی دارند منابع مهم حدیثی را مورد بررسی منهجی و ساختاری قرار داده با یکدیگر مقایسه نمایند، و تأثیر و تأثرات آن‌ها را از یکدیگر بنمایند.

تقریباً در تمامی پژوهش‌هایی که به «منابع حدیثی شیعه» پرداخته شده است، چنین رویه‌ای را شاهد هستیم؛ برای نمونه، در کتاب دوره شکل‌گیری تشیع دوازده‌امامی: گفتمان

^۱ برای دیدن بحثی مفصل در خصوص این روش در مطالعات مهدویت در غرب، نک: راد، ۱۳۹۳.

^۲ نمونه‌ای از این شیوه را در فردوان خراسانی، ۱۳۹۳ ببینید. نیز نک: توکلی‌بنا، ۱۳۸۸، صص ۵۷-۸۴.

^۳ نمونه‌های آن عبارتند از: Sachedina, 1998; Saritoprak, 2002.

حدیث میان قم و بغداد از نیومن^۱، در کنار مطالعه تطبیقی سه جامع نخستین امامی به همراه المقنعه، شناخت ساختار کتاب و روش نویسندگان در ارائه مطالب به صورت مفصلی صورت گرفته است.

ویلیام چیتیک در مقدمه‌ای که بر ترجمه‌اش بر صحیفه سجادیه نوشت (Chittick, 1998)، ضمن توصیف امام زین العابدین (علیه السلام) و صحیفه، به تبیین جایگاه دعا و مناجات در اسلام پرداخته و سپس بررسی تاریخی سندها و نسخه‌های مختلف صحیفه سجادیه و تحلیل محتوایی ساختار ادعیه و مناجات‌های موجود در صحیفه را مورد نظر قرار داده است.

نمونه دیگر، اثر یک دانشمند مسلمان دوره میانه: ابن طاووس و کتابخانه وی (Kohlberg, 1992)، یکی از معدود کتب کُلبرگ و شاید هم مهم‌ترین آنهاست که، وی بر اساس مشاهدات عینی و تحقیقات پر دامن، زندگی و اندیشه آثار ابن طاووس، کتابخانه و فهرست کتابخانه را توصیف و تحلیل کرده، در نهایت به اصل کار خود که شناسایی کتب بوده است توجه نموده است. او هدف از کار خود را توجه به نکات مبهم و کم توجهی به چهره ابن طاووس عنوان کرده است. وی در مقاله «وحی و تحریف، مقدمه کتاب القرائات السیاری» (Kohlberg, 2005)، نیز که به توصیف شرح زندگی و آثار سیاری، ساختار و محتوای کتاب القرائات، و نیز تصحیح کتاب پرداخته است، از این شیوه بهره برده است.

چند نوشتار دیگر می‌توان یافت که از این شیوه استفاده کرده‌اند: امیر معزی در «صقار قمی و کتاب بصائر الدرجات» (Amir-Moezzi, 1992)، کاوسکی در «کلینی و کافی: نخستین گزیده‌های حدیثی شیعه دوازده امامی: گزیده‌هایی از اصول من الکافی» (Marcinkowski, 2000)، که بررسی ویژگی‌های ساختاری و منهجی کلینی و گزارش روایات کافی، نقطه مشترک این مقاله با مقاله روبرت گلیو (پیوند حدیث و فقه) است، و جرّار در «سیره اهل کساء؛ نخستین منابع شیعی در باره زندگی نامه پیامبر

^۱. این اثر را از جمله آثاری می‌توان نام برد که تلفیقی از چند روش مطالعاتی در آن به کار رفته است، همچنان‌که در روش‌های تاریخی و تطبیقی از آن سخن گفته شد.

(صلی‌الله‌علیه‌وآله)» (Jarrar, 2000)، که در این مقاله به بازسازی مرویات منقول از کتاب *المبتداء والمبعث والمغازی*، از ابان بن عثمان از علمای مشهور امامیه پرداخته است و رویکرد وی در آن توصیفی و انتقادی است و به نقد منابع نخستین شیعی در مسأله سیره نبوی پرداخته است.

همچنین پیش از این، از مقاله «حدیث به عنوان حافظه فرهنگی شیعه» از برونر یاد کردیم و گفتیم که وی در آن نوشتار از تلفیق چند شیوه مطالعاتی بهره گرفته است؛ یکی از آن شیوه‌ها، شیوه توصیف با رویکرد ساختارشناسی است که توسط وی در مورد مطالعه *بحار الأنوار* صورت گرفته است.

برخی از آثار نیز با کنکاش در زوایای یک کتاب و اندیشه‌های انعکاس یافته در آن از سوی مؤلف، به دنبال کشف اصول و مبانی حدیثی شیعه‌اند. در واقع آنان با این شیوه، به دنبال کشف «روش‌شناسی» بازتابیده در کتابند. برای نمونه، افسرالدین در مقاله نقادانه خود با عنوان «نگاهی به روش‌شناسی حدیثی جمال‌الدین احمد بن طاووس» (Afsaruddin, 1995)، که به نقد حدیث در شیعه پرداخته است، ضمن بیان توصیفی تحلیلی‌گونه از ابن طاووس، به روش‌شناسی آثار حدیثی امامی می‌پردازد. وی در این مقاله، نگاهی دارد به کاربرد روش حدیثی ابن طاووس در برخورد با روایات.

نمونه دیگر در همین دست، نوشتاری از تکیم، با عنوان «منابع و ارزیابی‌های ناقلان حدیث در کتب رجال شیعه» (Takim, 2007)، است، که با تلفیق چند شیوه مطالعاتی، به مطالعه گسترده‌ای در باب خاستگاه معاجم رجالی در باره اصحاب ائمه پرداخته و دلایل احتمالی تدوین این آثار را در قرن هشتم و نهم [میلادی] برشمرده شده است. او توثیقات کسانی را که از ائمه (علیهم السلام) روایاتی گزارش کرده‌اند، بررسی کرده، به روش‌شناسی تطبیقی توثیق در آثار متقدم و متأخر پرداخته است.

نتیجه‌گیری

۱. شناخت «روش مطالعاتی خاورشناسان در حدیث شیعه» و رویکردی که آنان در این روش برگزیده‌اند، مقدمه‌ای است برای دریافت درست و روشنی از دیگر مسائل مرتبط

با فعالیت‌های پژوهشی آنان، به ویژه شناخت اندیشه‌ها و دیدگاه‌های ایشان. مطالعات آنان به سه روش عمده تاریخی، تطبیقی و توصیفی تقسیم می‌شوند که در هر کدام رویکردهای خاصی را شاهد هستیم؛ در مطالعات تاریخی، دو رویکرد تحلیلی و تحلیل درون‌متنی، در مطالعات تطبیقی، دو رویکرد تاریخی - تحلیلی و تحلیل درون‌متنی و در مطالعات توصیفی، چهار رویکرد تاریخی - تحلیلی، تحلیل درون‌متنی، پدیدارشناسی، و ساختارشناسی.

پژوهش‌هایی که در دسته «تاریخ حدیث» شمرده می‌شوند، عمدتاً با روش مطالعه تاریخی و با رویکرد تحلیلی انجام شده‌اند. در این آثار، سیر تطور تاریخی و تأثیر و تأثرات جریان‌ها و اتفاقات حدیثی در گذر زمان، مورد نظر غریبان بوده است. پژوهش‌های «فقه الحدیثی» (به جز پژوهش‌های مرتبط با عقاید)، عمدتاً توصیفی با رویکرد تحلیل درون‌متنی روایات و پژوهش‌های فقه الحدیثی ناظر به عقاید شیعه، عمدتاً توصیفی با رویکرد پدیدارشناختی صورت گرفته‌اند. مطالعات انجام شده در حوزه «منابع حدیث»، بیشتر با روش توصیفی و رویکرد ساختارشناسی و روش‌شناسی کتب همراه بوده است.

مطالعات آنان در این قسم، به شیوه «توصیف موردی» صورت گرفته است. خاورشناسان در این آثار سعی دارند منابع مهم حدیثی را مورد بررسی منهجی و ساختاری قرار داده با یکدیگر مقایسه نمایند، و تأثیر و تأثرات آن‌ها را از یکدیگر بنمایند. در پژوهش‌های مرتبط با «مطالعات رجالی و سندی»، عمده روش اتخاذ شده، بر توصیف بوده که روی آوردی تحلیلی داشته‌اند، و البته در مورد راویان خاص، به شکل «توصیف موردی» است. افزون بر این، مطالعاتی که به چپستی، چرایی و چگونگی حدیث شیعه پرداخته‌اند؛ یعنی مطالعات گونه «کلیات حدیث»، از روش‌های تلفیقی استفاده کرده‌اند. می‌توان گفت، پژوهش‌های این دسته، به روش علی و با رویکرد نقد و تحلیل انجام گرفته، و نویسنده با ترکیب این روش با روش هم‌بستگی و استفاده از تجزیه و تحلیل علمی، به تحقیق دست‌یازیده است.

۲. عمده مطالعات غریبان را از روی آوری به روش مطالعاتی «تاریخی» با رویکرد «تحلیل» گریزی نبوده است و در بسیاری از پژوهش‌های انجام شده، می‌توان این روش و رویکرد را مشاهده کرد. همچنین مطالعات «تطبیقی» و «تحلیل‌های درون‌متنی»، بیش از همه

در مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر صورت گرفته است. ضمن آن که، مطالعات با رویکرد «ساختارشناسی و روش‌شناسی»، حتی از آن هم جدیدتر است.

۳. نمی‌توان به صورت قطع گفت هر خاورشناسی (در مجموع کل آثارش) از چه روش مطالعاتی یا رویکردی بهره‌جسته است، بلکه باید هر اثری را به صورت تفکیکی روش‌شناسی کرد. با این همه، به این نکته می‌توان اذعان داشت، که حوزه جغرافیایی محل تحقیق و تدریس یک خاورشناس باعث شده تا به شیوه هم‌قطاران و همکاران خود، به پژوهش‌های حدیثی دست یازد؛ برای نمونه، در حوزه اسرائیل (مانند: گلبگ و سینداوی)، تقریباً تمام پژوهش‌های حدیثی در حوزه شیعه، به صورت توصیفی - تاریخی - تحلیلی و با شیوه‌ای جزئی‌نگر بوده است و در حوزه مطالعات انگلیسی (مانند: لالانی، نیومن و گلیو)، مطالعات به شیوه جامع و با تلفیق چند روش مطالعاتی، به ویژه تطبیق با رویکرد تحلیل‌های درون‌متنی انجام شده است. به نظر می‌رسد، شناخت «شیوه‌ها و رویکردها مطالعاتی در حوزه‌های جغرافیایی» خاورشناسان در موضوع حدیث شیعه، از جمله مواردی باشد که نیازمند یک پژوهش جدی و مستقل و در جای خود بایسته توجه است.

۴. «روش‌شناسی» ذکر شده در این نوشتار به این معنا نیست که مطالعات انجام شده صرفاً در یکی از روش‌های نام برده در هر دسته صورت گرفته است. بلکه، این برآیند، به صورت تقریبی و در مجموع آثار دیده شده است. ممکن است در برخی از آثار نوعی از رویکرد پژوهشی را شاهد باشیم که در هیچ کدام از عناوین بالا نیامده باشد؛ مانند: «ساختارشناسی» یا «پدیدارشناختی»، که به عنوان رویکردها یا روی آوردهایی در روش‌های مطالعاتی پژوهش‌های خاورشناسی دیده می‌شود.

۵. شناخت روش و نمایاندن رویکردها به این معنا نیست که تمامی آثار خاورشناسان دارای روشی منظم بوده است و به قطع می‌توان روش آن‌ها را تشخیص داد. زیرا در موارد متعددی تناقض‌های روشی و عدم پایبندی به آن و یا بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی ناقص، روشن و معلوم است، که در نتیجه، پیامدهای خاص خود را دارد.

۶. مطالعات خاورشناسان در حوزه حدیث شیعه دارای «نواقصی از حیث روش، منابع و محتوا و نتایج» است. از نگاه روشی، آثار ایشان دچار آسیب‌هایی در مطالعات انجام شده

به روش‌های تاریخی، تطبیقی و با رویکردهایی همچون تحلیلی و پدیدارشناختی است. در مطالعات به روش تاریخی، دو نوع از آسیب را شاهد هستیم: اولین آسیب زمانی رخ می‌دهد که کلیه مباحث و مطالب یک مطالعه، صرفاً با شیوه‌ای تاریخ‌گونه حل و فصل می‌شود، اما در کاربست این روش، دچار خطا و لذا در رسیدن به هدف، دچار آسیب در نتایج پژوهشی شده است و آسیب دوم، در ارتباط با مطالعاتی است که به شیوه تاریخی - توصیفی و با رویکرد پدیدارشناختی صورت می‌گیرند. در این نوع از مطالعات، اگر کسی پدیده‌ها را حتی با دقیق‌ترین مطالعات پدیدارشناسانه هم پی بگیرد و از مطالعه تاریخی هم خود را محروم نسازد، الزاماً به درون‌فهمی در دین دست نخواهد یافت؛ موضوعی که در مطالعات به ویژه اصول و عقاید شیعی، در بین خاورشناسان شاهد هستیم.

در شیوه تطبیقی، آثار ایشان، زمانی که رنگ و بوی مقایسه بین شیعه و سنی یا مقایسه‌های نادرست بین روایات شیعی و دیگر ادیان و فرق و یا تطبیق بین احادیث و برخی از گزاره‌های غیرروایی، مانند اسطوره‌ها و داستان‌ها را داشته باشد، دچار آسیب روشی است. برخی از این تطبیق‌ها، از آن‌جا که نتیجه حاصله به بی‌اساس و اصالت دانستن روایات شیعی، وام‌گیری شیعه از کتب مقدس یا اصول و روایات سنی و سلب اعتبار و اصالت از شیعه و امام (علیه‌السلام) و وحیانی بودن دین نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) منجر می‌شود، در دیدگاه یک شیعه ممکن است شائبه غرض‌ورزی و جهت‌دار بودن پژوهش‌های خاورشناسی را به دنبال داشته باشد، که زیننده یک تحقیق علمی نیست.^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. به منظور دیدن بحث مفصل در این باره نک: حسن‌نیا، ۱۳۹۴ - الف: ۵. بحث از مزایا و آسیب‌های مطالعات خاورشناسی در حوزه حدیث شیعه، خود مبحثی مستقل است، که راقم این سطور در نظر دارد این مسئله را در نوشتاری دیگر به صورت مفصل مورد بحث و نظر قرار دهد.

منابع

- قرآن کریم.

الف) منابع فارسی

- ادوارد سعید (۱۳۷۱ ش)، **شرق‌شناسی**، ترجمه: گواهی، عبدالرحیم، قم: دفتر فرهنگ اسلامی.
- اسعدی، مرتضی (۱۳۸۱ ش)، **مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان از آغاز تا شورای دوم واتیکان**، تهران: انتشارات سمت.
- الویری (خندان)، محسن (۱۳۸۱ ش)، **مطالعات اسلامی در غرب**، تهران، سمت، نوبت اول.
- پارسایان، حمید (۱۳۸۳ ش)، «روش‌شناسی و اندیشه سیاسی»، **فصلنامه علوم سیاسی**، ش ۲۸.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۱ ش)، **روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث**، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، نوبت اول.
- توکلی‌بینا، میثم (۱۳۸۸ ش)، «روش پدیدارشناسانه غربیان در شیعه‌شناسی»، در **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تشیع و خاورشناسان (دیدگاه‌ها درباره خاورشناسان)**، به کوشش: دکتر محمدرضا بارانی، برگزار شده توسط انجمن تاریخ‌پژوهان، قم، خاکریز، صص ۵۷-۸۴.
- جدیدی بناب، علی (۱۳۹۳ ش)، **تحلیل و بررسی آثار مستشرقین درباره تشیع**، تهران، شبکه اندیشه.
- چلونگر، محمدعلی (۱۳۸۷ ش)، «رویکرد تاریخ‌نگری و پدیدارشناسانه خاورشناسان به مبانی اعتقادی تشیع»، در **گزیده آثار همایش بین‌المللی تشیع و خاورشناسان (نخستین: ۱۳۸۷، قم)**، برگزار شده توسط انجمن تاریخ‌پژوهان، قم، خاکریز.
- حسن‌نیا، علی (۱۳۹۴ ش. الف)، **تحلیل انتقادی حدیث شیعه از نگاه خاورشناسان (رساله دکتری)**، راهنما: علی راد، پردیس فارابی، دانشگاه تهران.
- _____ و راد، علی (۱۳۹۴ ش. ب)، «خاورشناسان و حدیث امامیه؛ طبقه‌بندی و تحلیل پژوهش‌ها»، **علوم حدیث**، دوره ۲۰، شماره ۷۸، صص ۲۳-۵۹.
- خالد سعید (۱۳۹۲ ش)، **ادوارد سعید، منتقد شرق‌شناسی: بررسی اندیشه و میراث فکری ادوارد سعید**، مترجم: صادقی، حمیدرضا، قم، صحیفه، نوبت اول.

- خراسانی، منیره فردوان و غلامی، عبدالله (۱۳۹۳ ش)، «مهدویت از دیدگاه شرق‌شناسان و دین‌پژوهان غربی»، **قرآن پژوهی خاورشناسان**، سال نهم، ش ۱۷، صص ۱۶۳-۱۹۰.
- راد، علی (۱۳۹۳ ش)، «مهدویت در نگاه‌های مستشرقان»، در **دانشنامه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ**، نویسنده: محمد محمدی ری شهری، مترجم: مسعودی، عبدالهادی با همکاری سید کاظم طباطبایی و جمعی از پژوهش‌گران، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، نوبت نخست، ج ۱، ص ۱۴۴ به بعد.
- زمانی، محمدحسن (۱۳۸۸ ش)، **آشنایی با استشراق و اسلام‌شناسی غربیان**، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی، نوبت اول.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵ ش)، **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شینی میرزا، سهیلا (۱۳۸۵ ش)، **مستشرقان و حدیث: نقد و بررسی دیدگاه‌های کلتسیهر و ساخت**، تهران، نشر هستی‌نما، نوبت اول.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۳ ش)، **اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی**، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، نوبت اول.
- _____ (۱۳۸۵ ش)، **روش‌شناسی مطالعات دینی (تحریری نو)**، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ویراست دوم.
- موتسکی، هارالد (۱۳۸۹ ش)، **حدیث اسلامی، خاستگاه‌ها و سیر تطور**، به کوشش و ویرایش: مرتضی کریمی‌نیا، قم، دارالحدیث.
- نقیبی، سیدابولقاسم (۱۳۹۰ ش)، **روش تحقیق در علوم اسلامی**، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، نوبت اول.
- نیومن، آندرو (۱۳۸۶ ش)، **دوره شکل‌گیری تشیع دوازده‌امامی: گفتمان حدیث میان قم و بغداد**، ترجمه و نقد: مؤسسه شیعه‌شناسی، انتشارات مؤسسه شیعه‌شناسی، قم، نوبت اول.
- واثق غزنوی، قادرعلی (۱۳۸۹ ش)، «روش‌شناسی و جایگاه آن در سیاست‌گذاری دولتی»، **پژوهش**، سال دوم، شماره اول، صص ۳۹-۷۰.

ب) منابع عربی

- جدیدی‌نژاد، محمدرضا (به اشراف: رحمان ستایش، محمد کاظم) (۱۴۲۴ ق)، **معجم مصطلحات الرجال والدرایة**، قم، دارالحدیث، الطبعة الثانية.
- الشهرستانی، أبو الفتح محمد بن عبد‌الکریم (۱۳۶۸ ق)، **الملل والنحل**، تحقیق: أحمد فهمی محمد، بیروت: دار السرور، الطبعة الأولى.
- قسم الکلام فی مجمع البحوث الإسلامية (۱۴۱۵ ق)، **شرح المصطلحات الکلامیة**، طهران، مجمع البحوث الإسلامية، الطبعة الأولى.
- ناجی، الدكتور عبد‌الجبار (۲۰۱۱ م)، **التشیع والإستشراق، عرض نقدی مقارن لدراسات المستشرقین عن العقیدة الشیعة وأئمتها**، بغداد و بیروت، المركز الأكادیمی للأبحاث، الطبعة الأولى.

ج) منابع انگلیسی

- Afsaruddin A (1995). "An Insight into the Hadīth Methodology of Jamāl al-Dīn Aḥmad b. Ṭāwūs". *Der Islam*, vol.72(1): 25-46.
- Amir-Moezzi Muhammad Ali (1992). "Al-Saffar al-Qummi (d. 290/902-3) et son Kitab basa'ir al-darajat", *Journal Asiatique*, CLXXX (3-4): 221-250.
- ----- (2003), "İmâmî Şiilik'te Hadisin Sihat Kıstasları ve Fakihin Otoritesine Dair Değerlendirmeler", *T.C. Uludağ Üniversitesi İlahiyat Fakültesi*, 12(2): 313-48.
- Arkoun M. Etan Kohlberg (1992). *A Medieval Muslim Scholar at work: Ibn Tawus and his library*, Brill, Leiden.
- Brown, Jonathan A. C. (2009). *Hadith: Muhammad's legacy in the medieval and modern world*, Oxford: Oneworld.
- Brunner, Rainer (2005). "The Role of Hadith as Cultural Memory in Shi'a", *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 30: 318 – 360.
- Buckley, Ronald P (2007). "The morphology and significance of some Imami Shi'ite traditions", *Journal of Semitic Studies*, 52 (2): 301-334.
- ----- (1997). "The Early Shiite Ghulat." *Journal of Semitic Studies*.
- ----- (1998). "On the origins of Shī'i Hadīth", *Muslim World*, 88 (2): 165-184.
- Büyükkara, Mehmet Ali (2005). "Imamyie Sia' Sunin Hadis Usulunden "Mezhebi Bozuk": Reviler (I): Metodolojik Degerlendirmeler, *Islami Arastirmalar Dergisi*, 17(3): 201-215.
- ----- (2000). "The Schism in the Party of Mūsa al-Kazim and the Emergence of the Waqifa", *Arabica*, 48: 78-99.

- Calder, Norman (1979). "Judicial authority in Imami Shi'i jurisprudence", *British Society for Middle Eastern Studies Bulletin*, 6(2): 104-108.
- Chittick WC (1988). *As-Sahifa Al-Kamilah Al-Sajjadiyya, a Translation*.
- Firestone, Reuven (1998). "Merits, Mimesis, and Martyrdom: Aspects of Shi'ite Meta-historical Exegesis on Abraham's Sacrifice in Light of Jewish, Christian, and Sunni Muslim Tradition", *Journal of the American Academy of Religion*, 66 (1).
- Gleave, Robert (2001). "Between Ḥadīth and Fiqh: The "Canonical" Imāmī Collections of Akhbār", *Islamic Law and Society*, 8 (3): 350-382.
- ----- (2007). *Scripturalist Islam; The History and Doctrines of the Akhbari Shi'i School*, Brill.
- Jarrar, Maher (2000). "Sīrat Ahl al-Kisā: Early Shī'ī Sources on the Biography of the Prophet", in *the Biography of Muḥammad* (ed. by Harald Motzki - Leiden [u.a.], pp. 98-153).
- Kohlberg, Etan (1975). "An Unusual Shi'i Isnad", *Israel Oriental Studies*, 5: 142-149.
- ----- (1976). "From Imāmiyya to Ithnā-'ashariyya", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 39 (3): 521-534.
- ----- (1979-A). "The Term Muhaddath in Twelver Shi'ism", n.p.
- ----- (1979-B). "The Term 'Rafida' in Imāmī Shī'ī Usage", *Journal of the American Oriental Society*, 99(4): 677-679.
- ----- (1983). "Shi'i Hadith", In: *Arabic Literature to the End of the Umayyad Period* Beeston, A. F. L. (editor), Cambridge University Press, pp. 299-303.
- ----- (1984). "Some Imāmī Views on the Sahāba", *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, 5: 143-176.
- ----- (1985-A). "Non-Imāmī Muslims in Imāmī Fiqh", *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, 6: 99-106.
- ----- (1985-B). "The position of the walad zinā in Imāmī Shī'ism". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 48 (2): 237-266.
- ----- (1987). "Al-Usūl al-Arba'umi'a", *Jerusalem Studies in Arabic & Islam*, 10: 128-166.
- ----- (1991). "Aspects of Akhbari Thought in Seventeenth and Eighteenth Centuries", In *Belief and Law in Imami Shi'ism (Collected Studies Series, Cs 339) by Etan Kohlberg*, Variorum.
- ----- (1994). "Authoritative Scripture in Early Imami Shiism", in E. Patlagend and A. Le Boulluece (eds.), *Les retours aux ecritures, Fundamentalism presents et passet*, Louvain-Paris.
- ----- (2005). "Revelation et Falsification: Introduction a L'edition du Kitab al-qiraat d'al-Sayyari", n.p.

- ----- (2013-A). "Introduction" to Shi'i Hadith Section of Daftary, Farhad and Miskinzoda, Gurdof (editors), *The Study of Shi'i Islam: History, Theology and Law*, (Shi'i heritage series), I.B. Tauris, vol. 2, pp. 165-180.
- ----- (2013-B). "The Abu Basir tradition: Qur'anic verses on the merits of the Shi'a", in: *Law and Tradition in Classical Islamic Thought: Studies in Honor of Professor Hossein Modarressi*.
- Lalani, Arzina R (2000). *Early Shī'ī thought: The teachings of Imam Muḥammad al-Bāqir*, London, New York: I.B. Tauris in association with the Institute of Ismaili Studies.
- Marcinkowski, Muhammad Ismail (2000), "Al-Kulayni and his Early Twelver-Shi'ite Hadith Compendium Al-Kafi: Selected Aspects of the Part Al-Usul min al-Kafi", *Islamic Culture*, 74 (1): 89-126.
- Modarressi, M. Hossein (2003). *Tradition and Survival: A Bibliographical Survey of Early Shī'ite Literature vol. 1*, Oxford: Oneworld.
- Newman, Andrew (2000). *The Formative Period of Twelver Shī'ism: Hadīth as Discourse between Qum and Baghdad*, Richmond, surrey.
- Sachedina, Abdulaziz Abdilhussein (1998). *The Just Ruler in Shi'ite Islam, The Comprehensive Authority of The Jurist in Imamite Jurisprudence*, Oxford, UK: Oxford University Press.
- Saritoprak, Z. (2002). "The Mahdi Tradition in Islam: A Social-Cognitive Approach", *Islamic Studies*, 41: 651-674.
- Sindāwī Khalīe (2006). "The Donkey of the Prophet in Shī'ite Tradition". *Al-Masaq: Journal of the Medieval Mediterranean*, 18 (1): pp. 87-98.
- Takim LN (2007). "The Origins and Evaluations of Hadith Transmitters in Shi'i Biographical Literature", *The American Journal of Islamic Social Sciences*, 24(2): 26-49.